نگاه



روزنامهنگاری،جامعهوادبیات؛از حاشیه تامتن





در روزنامه نگاری اجتماعی، ارزش های خبری سنتی روزنامهنگاری (که؟چه؟ کی؟ کجا؟چرا؟وچگونه؟) به خدمت گرفته می شوند تابه این پرسش اصلی مخاطب پاسمخ گویند: چرااین مطلب (اعماز خبسر، گزارش و ب کر کرا ...) برای من و جامعه من حایز اهمیت است؟ در واقع، روزنامه نگار اجتماعی تـــلاش می کند در گزارش خود ررر انچه از مبانی جامعه در حال خور ده شدن و از بین رفتن است را کشف کند و به آن بپر دازد. در این راه، آمار و اطلاعات مستند مقیاسهای عینی او برای پروراندن سوژه خبر اجتماعی است بدون این که از جریان واقعی رویدادها و موضوعات دور شــود و به حاشیه برود. مثلا وقتی درباره به خُطر افتادن بهداشت و سلامت عمومی بر اثر بیماری ایدز سـخن می گوید، سـخن او بر پایه آماری است که از میزان افزایش بیماران مبتلا به ایدز واز سـوی منابع آگاه منتشر شده است یا وقتی درباره افزايش چشمگير خشونت وجرايم مرتبط باآن هشدار میدهد گزارش او مبتنی بر آماری است که از منابع موثق به دست آورده است. سعی دیگر روزنامه نگاری مونق به نصب ۱ ورده سخه سخی یـ بر روزد --اجتماعی، آمــوزش دادن به جامعــه درباره چگونگی مواجهه با خطرات و آســیبهای اجتماعی است و در این راه می تواند از ظرفیت جامعه بــرای مقابله با این . ما یا تقلیل صدمات جبرانناپذیر بهره بگیرد. برای سنجش میزان نزدیکی روزنامه نگاری هر کشوری

جامعه، باید نقش رســانهها را در موضوعات حساس جتماعی بررسی کرد و پرسسید تا چه حد روزنامهها ر مواجه میشـودبه کاربیایند و مفیدباش مُیشود حُداقُلُ آگاهی بخش باشند؟اصلا چند درُصد از مردم هر روز روزنامه میخوانند؟ چند درصد عادت به به مطالعهٔ روز نامه دارند؟ شمار گان روز نامه ها چه میزان . است و آیا طُکی سال های اخیر دچار افت شده است؟ در وجه آرمانی، در صورتی که پاسخ تمام این پرسشها مثبت باشد به این معنا که هر یک از من و شما موارد

ـه که راوی داستان، یکی

از کارگسران جُسُوان اسست و با زبانی عامیانسه زندگی کارگری

را روایت می کند. در این روایت عامدانه نشانی از اتحادیهها و سندیکاهای کارگری

یست، آنهم در کشوری مثل فرانسه که این نوع نهادها

غیرقابل چشمپوشیاند، از ایسنروی نمی توان منگی را اثری رئالیستی خواند، بلکه از

نظر من اثـری نمادین اسـت اشـتباه اسـت اگر تصور کنیچ ے "ی ت اگر تصور کنیم منگی، فقط تصویری از فضای

عمیق تر، درخشش آگاهی است در انبوه ناآگاهی:

یاری را از آگاهی بخشــی مطبوعات در زمب مختلف اجتماعي به ياد داشته باشيم؛ در صد بالايي از مردم و زنان جوان جامعــه، در برنامه روزانه زندگی هر روزهشان جايي ووقتي هجبراي خريد ومطالعه روزنامه داشته باشند و شمارگان مطبوعات نیز همواره در حد بالایی باشــدمی توان ادعا کرد که جامعه هنوز نسبت به مطبوعات امیدوار است و روزنامه ها جایی در زندگی مردم دارُندوروزنامُهُنگاری اُجُتُماعی زنده اُ مرمه دارىدوروزنامەنكارى اجتماعى زندەاستونفس مى كشد اما اگر پاسخ اين پرسش، ها هيچ يک از اينها كوچ قىلىدىدا دارىدىد ی که گفتیم نباشد به این معنا که ماروز نامههار اقهرمان ملی خود در مسائل اجتماعی ندانیم؛ آخرین باری را که روزنامه خریدیــم و به خانه بردیم و مطالعه کردیم به یاد نداشته باشسیم؛ مطبوعات در سبد خانوارمان جایگاهی نداشسته باشد؛ شسمارگان مطبوعاتمان . دچار افت شده باشد و تعداد بســُـياری از أنها هر روز خمير شـــوند؛ آنگاه بايد بر گرديم و نــگاه دوبارهای به

است و از آن سـخت تر، پرداختن به مسائل اجتماعی و حل آنهاسـت. مطمئنا همان طور که قبلا هم گفته ترس از تابوهای اجتماعی و محدودیتهای سیاسی و اقتصـادی، در چارچوب اصــول اخلاقی و عرفی که ر به ۱۳۰۷ کی جامعه به آن پایبند است و با ترکیب دانش اجتماعی و روزنامهنگاری، به صورت شفاف و بی حاشیه، اخبار و مدیر اجرایی مرکز پیو بــرای روزنامهنگاری اجتماعی (Pew Center for Civic Iournalism) آنحــه

ما توصیه می کنیم این است که به صدای جامعه گوش کنید.صدای شهروندان را بشنویدو آن را به عنوان یکی : ز اصول تهیه و ســـازماندهی برخی مطالب-و نه تمام نها-ملاک ومعیار خود قرار دهید تابتوانید بر احساس بيڭانگىشهروندانُ باروزنامُهُ هاغلْبه كنيد

بپردازد تــا هر کس، هر صبح، بــرای خواندن روزنامه اشتیاق داشته باشــد و بداند در آن مطلبی هست که به زندگی او مربوط می شــود؛ مطلبــی که کلماتش . بری مرکز کرد. برای او ساده و قابل درک هستند و با او ارتباط برقرار می کنند. ارتباط برقرار کردن با جامعه بسسیار سخت ر میچ کس انتظار ندارد روزنامهها به حل مسائل اجتماعی بپردازندچراکه ریشه مسائل اجتماعی بسیار عمیق تراز دانش روزنامه نگاران است وابعاد پیچیدهای دار دو روزنامه نگاران هـم جامعه شـناس، تحلیلگر مسائل اجتماعی و همه چیز دان نیستند. اما می توان فضايي رابراي روزنامه هاايجاد كردكه بتوانند بدون

بر رفتهمان بیندازیم و روزنامهنگاریمان را درمان

کنیم تا جان بگیسرد و بتواند به دردهسای اجتماعی

گُزارُشهایی رامنعکس کنند که نیاز اجتماعی است. به قول ادواردام، فوهـی (Edward M. Fouhy)

اصلی ترین وظیفه رسانهها، اطلاع رسانی به جامعه و آگاهی بخشی به مردم دربار همعیط پیرامون و رویدادهای مربوط به آن است تا بتوانند بهعنوان یک شهروند عمل کنند به این معنا که شــناخت درستی دربار مسائل زندگی داشت باشند و در یک کلام پتوانند آگاهانه زندگی کنند. روزنامه نگاری اجتماعی و به ^{تی}یم آن، روزنامه اجتماعی مکوشد به دوراز هیاهوو جنجال سیاسی به صورت آزاد، مستقل و مسئو لائه، به موضوعاتی پیر دازد که نگرانی های واقعی مخاطبان در زندگی روزم رشان است. این نوع روزنامه و روزنامه نگاری، به مخاطبان خود در جی حاور در در در می بیان بر این می اداره بین در انداز می در این در در در در در در در در برد. بند بیان در می به منزله کالاهای قابل فروش به آگهی گران نگاه نمی کند بر این را شهر وندانی مستقل و آگاه در نظر می گیر و د وقت و انرژی مخاطبان را برای مقاصد تجاری هزینه نمی کند و بر این دیدگاه استوار است که مردم حق دارنداز ر روی -- جس ر، بری معصد بجاری هزینه نمی کندو بر این دیدگاه استوار است که مردم حق دارنداز موضوعات و مسائلی که زندگی آنها را به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می دهند. آگاه باشند و شیوه برخورد با آن را بدانند.

> توانســتهاند در حل مسـائلي که جامعه و کشور با آن وظیفه اصلی روزنامهها و روزنامهنگاران حل مسائل و سید معتقد ندر است ولی مسردم تا چه انسدازه معتقدند رسانه ها در شرایطی که جامعه با مسائل خاص مواجه خریدن روزنامه دارند و روزنامه در سبد خانوار آنها جای دارد؟ به خصوص قشــر زنان ۲۴–۱۸ ســاله که عمده هدف آگهی گران جوامع مختلف نیز هستند آیا عادت

چراغ اول کتابخوانی در هفته کتاب

كتابخواني همراه بانويسندگان

می گویند که بسیاری از مردم حال و هوای کتاب خواندن را از دس ندار ند که بیایند بنشینند کتاب بخوانند کتاب نخوانی را می توان در نشستهای خانوادگی نیز مشاهده کرد. در میهمانی هاور فت و آمدهای دوره ای بحث و گفت و گوها بیش از هر چیز بر محور سریال های نوظهور یا فیلمهایی می چخ که آز نسبتکههای مختلف به خلوت خانههای ما می آینند قرار دارید داریم نابا نوستندگان مختلف از کتابهایی که خواندماند با روی میز مطالعه شان قرار دارد، خلاصه کتابهای در دست مطالعه را داشته باشیم. چراغ اول این شمار مااختصاص به معرفی اثر زیر توسط خانم فریبا منتظر ظهور دارد.

محمون چراغمی در تاریکمی

تلاش برمیدارد و سکوت اختیار

راوی همان چراغ روشن ســُت در تاریکی. کارگــری که از شــرایط واقعی و دهشــتناک یستیاش مطلع است و هر چه تلاش می کند به اطراف روشنایی تمام فصول ابتدایی تــا دو فصل آخــر ادامــه دارد. در فصلهای نتهایسی راوی خسسته شده و ه نگامی که درمی یابد کسی علاقه و میلی به دانستن ندارد، دست از خشے کارگری و کشتار گاه است، بلکه در لایهای

۰. کشتار گاه نزدیک فرودگاه اسـت و راوی چند

بار در کتاب می گوید همیشــه به هواپیماهایی که بر ادر سبب می بوده همیست به هوپیهمدایی که قصد دارند باشد شوند یا فرود بیایند با دست علامت می مدهد که حالا برخیزند و زمانسی که هوپیمایی سقوط می کند راوی خود را سرزنش می کند که اگر علامت داده بودم سقوط نمی کرد. ۲. جمیه سیاه نشان از حقایقی است که راوی

پیش تر باز کرده و از درونش خبر دارد، اما دوستش-بورچ- هیچ اشتیاقی به کشف جعبه سیاه ندار د و فقط برای این که دل دوستش را نشکند، می گوید: مشتاقم توشراببینم. ۳. درصحنهای دیگر یکــی از کارگران زیر پاهای

۱۰ دروضتهای نیمور پیسی را در او راون رو پسی گاه می میسرد و راوی و دوستش سرای دادن خیر مرگ به خانه کار گرمی روند، هرچه تلاش می کنند واقعیت را که مرگ شیوهر است به زن یکویند، اما زن این فرصت را به آنها نمی دهد و به نحوی راوی و دوستش واقعیت را ناگفته، بازمی گردند که بازهم نشان از عدم علاقه آدمها به شنیدن واقعیت دارد.

**The state of the sta

راوی بسورچ را دعــوت میکند خانــهاش. حالا دیگر جعبه سیاه بهعنوان JOËL EGLOFF شیء تزیینی گوشه خانه نشــان از خودسانسوری راوی دارد که نمیخواهد گاهیهایسش را بازگو

قصد رفتن دارد. هرچند هرگز موفق نَمي شُود برود اما نوعی میل به رهایی است که هرگز او را آرام نمی گذارد.

ادبيات براي اجتماع

مریم کاملان |

تحولات اجتماعی چیست؟ چه چیزی می تواند تحول اجتماعی به حسب آید؟ آیا پیروز شدن در یک مسابقه دو و میدانی یا شمشسر بازی یا قایق رانی روی شن می تواند افتخار آفرینی جاودانه در ایران نیز در دوره سلطنت غزنویان شاهنامه یک حماسه پهلوانی است؛ ضمن این که این اثر بسیار غنی تر از حماسههای هم عرض خود است، به این خاطر است که شاهنامه فقط یک حماسه . جنگ آورانه نیست و ما با مسائل بسیار زیادی در این اثر ارزشمند روبهرو هســـتیم؛ ولی بههرحال داشته باشد؟ افتخارات یک ملت، یک فرهنگ، یک جامعه و شهروندان آن جامعه تا کجامی تواند می بینیم که در دوران جنگهای سلطان محمود غزنوی، تــا حد زیادی شــرایط بــرای ایجاد یک حماسه مثل حماسه شاهنامه ایجادمی شود. بنیانهای شخصیتی یک جامعه و فرهنگ را به تحول برساند؟ اینهابخشی از پرسشهایی هستند که می توان سالیان سال به دنبال یافتن یاسخ برای • قرن هجدهم فرانســه به عصر روشــنگری و انوار نیز در جهان معروف اســت. این عصر را عصر آنها بود. می توان با درنگ بر این طیف از پرسشها حقانیت یک موضوع را ثابت کسردیا این که در رد مواریو در جهان معروضا است. این عصر راعصر فیلسوفان نامگذاری می کنم، زیرا در زمانی است کدفیلسوفان به مقهوم دوستدار علوه وانش پا به عرصه اجتماع می گذارند، در قرن هجدهم میزان بسیار زیادی آثار علمی، سیاسی و اجتماعی در فرانسته به وجود آمد که در نهایت اوج به ایجاد اثر نظریایک موضوع، نهایت سختگوشی و پافشاری را به خرج داد. اما، درونمایه آن چه که در اینجا موضوع روز مارا شامل مىشود تحولات اجتماعى است.بهرسمعادتی دیرینه سعی می کنیم نخست موضوع مد نظرمان را در یک سطر بنویسیم بعد

،به تحليل آن بپرداز يـ تفکیک کنیموسپس،به تحلیل آن بپردازیم. بـرای پرداختن به این موضوع سـعی ما بر این است تاباجمع بندی نقطه نظرات مختلف پیرامون رد اندیشهای انسانهای فرزانه، در چرخه روزگار به چه حال و روزی می افتند و تاثیرات واقعی شان بر اجتماع، جوامع و تحولات اجتماعي چيست؟ باما

. آبافرهنگ و ادبیات در تحولات احتماعی نقش پاوهمند وابلیت در تعود تا متعامی لفس و جایگاهی دارند؟ این پرستش وسوسهبرانگیز دیرگاهی است که بسیاری از نویسندگان و صاحبان اندیشه راباخود درگیر ساخته است که چه درگیر ساخته است که چه

محصولات فکری جامعه نیز نیاز به معرفی دارند. به این معنی که اگر تولید شدند بایستی خوب

معرفی و به مصرف کننده خود عرضه شـوند. ما

از این چرخــه غافل و به نوعی محــروم ماندهایم

ر سه برا سنگین را می توان بخشی از نظام این محرومیت سنگین را می توان بخشی از نظام رفتاری کنار نهادن اندیشه و فکر از بدنه اجتماع دانست. چیز غریبی نیست. در جهان این اتفاق

تجربه شده است و اثراتش را نیز می توان مرور کرد. در این جا تأملی خواهیم داشت بر موضوع

واقعیتها در جهان ادبی. آرمان گودرزی یکی از مترجمان بادغدغه است که از زبان فرانسه ترجمه

می کند.اهم توجهات این مترجم در تقابل پذیری

ادبیات و واقعیت های اجتماعی را می توان در

رر بسدی مورد ریر دریدت: • کاری کسه هنسر و در درون آن ادبیسات انجام بی دهد، انعکاسی از واقعیتها هستند ماحتی در

فانتزى ترين آثار ادبى وهنرى هم نقش واقعيت را

ے پینیم • جامعہ، عوامل اجتماعی، تاریخی و سیاسے

تاثیر بســـار زیادی برادبیات دارند، ضمن این که ادبیات هم تاثیر بسیار زیادی بر مسائل سیاسی، اجتماعی وحتی اقتصادی دارد

كەداراي يك ھدف ھستند؛ حتى اگر ھدف فردى ت دری به ساست که مسلما آن هم دارای یک رسالتاجتماعی است.

• مثالي ميزنم كه كمي از قرن هجدهم فاصله

بگیریم: در قرون وسطی در فرانسه منظومه رولان

راداریمودرایران تقریبامی توانیم بگوییم یک قرن قبل از آن شاهنامه فردوسی را داشتیم. منظومه

صورتبندى مواردز يردريافت:

کنیم یا چگونه بیندیش تــا حاصل زندگـــی فکرمان در جهت حفظ و صلاح ر . . . جامعهمان باشد و خلاصه و فرجام کار در قلمرواندیشــه و فُکــر چُه تاثیـــرُی در روز و روز گارمان خواهد داشـــت؟ آیا نوشتن و نویسندگی هنر نوشتن انشا است؟ آیا

تاریخی و سیاسی، تاثیر سیار زیادی بر ادبیات دارند، ضمن این که ادبیات هم تاثیر بسیار زیادی بر مسائل اقتصادی دارد نويسندگي نشستن و کلمهبر ر کلمه انبان کردن است؟ اگر چنین است این کار و فعالیت برای دیگران چه حاصلی دارد؟ آیامی تواند

هستند درحقیقت نمی توانیم آنها را در یک طبقه قرار دهیم، چون آثارشان باهم بسیار تفاوت دارد، یعنی ایس دیدگاه طبقه بندی علمی که به صورت مکتب انجام می شود تا حدزیادی صرفا تاثیری در بهتر شدن حال و زندگی مردم داشته . قراردادیاست. باشد؟ اگر چنین تاثیری دارد چه نوع نوشتاری بهترین وبیشترین تأثیر رادارد؟ از مشخصات رر--ی ست. • اولین متنی که ژان ژاک روســو نوش بهترین و بهتسترین نامیر رادارد؛ از مشتصصت بارز و غالب ارتباطات و فرهنگ عمومی در جوام توسعه یافته جهان استفاده از رساندها و تبلیغات برای معرفی محصولات است. یعنی همان جوری که خودرو، لوازم خانگی، لوازم تزییناتی و هزاران کالای مصرفی تولید و تبلیغ می شسوند ادبیات و

واسطه آن معروف شده متنى است با عنوان علل وستنه ای معروب سعه معنی است به صوره مین و دلایل نابرابری اجتماعی و نژادی؛ درواقع روسو با یک متن و رساله نسبتا اجتماعی و سیاسی معروف

بزرگیبه نام دایره المعارف می رسد. • دایره المعارف اثری است که تمامی دانسته های

• داره المعارف الرياسي - سدي -السائي را جمع آوري كرده و مخاطب آن نيز عامه مردم هستند، در حقيقت داير دالمعارف اين دانستهها را از انحصار كليسا و طبقه خاص بيرون

آورده و کاری که می کند این است که مسائل مختلف را برای مردم باز کرده و در عمل اولین گام

ر، برای برابری داشتن علم و دسترسی به آن ایجاد می کند که این «برابری» یکی از شعارهای انقلاب ***

كبير فرانسه است كه در پايان قرن هجدهم اتفاق

ی • مسالهای که وجود دارد و بایــد به آن توجه

داشته باشیم این است که چیزی که بهعنوان

مکتبھای ادبی تا چند

دهه پیسش خیلی درباره آن صحبت می شد، یک

عنوانی قراردادی است. مثلا

ھیچوقت نمی توانیم بگوییم ویسندگانی چُون ویکتور هوگــو، آلفــرد دوموســه و

لامارتين سرآمدر مانتيكها

ە نقدكرُدنُ و بە طنز كشىيدن جامعُه ان طبقه حاکمه هستند، شروع می کنند به تغییر و دگرگونی شرایطاجتماعی از طریق متون ادبی.

• قرن هجدهم یعنی صد سال تمام دوره گذار

است. درابتدای قرن هجدهم مانزاع بین قدماو مدرنها را داریم و در پایان قرن هجدهم این نزاع آنقدرادامه پیدامی کند که بهانقلاب کبیر فرانسه سنجرمُیشود. •اتفاق دیگری که در قرن هجدهم افتاد، به کمال

سیدن خردگرایی دکارتی است. فلاسفه بزرگ نرن هجدهم فرزندان دکارت و نحوه نگرش دکارتی وین هجیدههرورست دارسی و در استوههرورست دارشی هستنده به همین خاطبر و قدیل کرد کلامی نهایتا در می کنیم، می پیشیم که از این خرد کلامی نهایتا در قرن مجیدهم به خرد تجربی می رسیم، یعنی قطه کلام نیست و مشاهده و تجربه هم رز آن و دوران کلاسیک ما به پایان ترسیده و ما هنوز هم آثار کلاسیک داریم؛ مسألهای که در دیدگان ب ادبی وجسود دارد این است که می گوید کلاســیک که به وجــود می آید، بـــار وک از بیر:

همدیگر ُ حرکت می ُکنند و در دوران ُهایی یکی ازُ آنها اوج پیدامی کند. رے۔۔ نأمل بر این دیدگاہ هامار ابه این نکته می ساند

تس بر بین است. که نذرت بودن، دلمشغولی داشــتن به ادبیات و نویسنده بودن به منز له این نیست که یکباره همه چُیز را در سُراشــیبکی بگذاریم و راه خود را از آغاز پاغازیم. ادبیات سلســلهای از شبکههای دانش است که از گذشــته های دور دست ما تاامروزمان وجودداردوامتدادمی یابد. درست شبیه به همین اجتماع و جامعهای کسه در آن زندگی می کنیم و





تى ميھىمان کشـــتارگاهی در فرانســه باش. پهلــو بــه پهلــوی کارگــران و سلاخان، تماشا کے چطور شلیک می کنند، ســر حیوان را لای دســتگاه می برند و پوست

ے۔ می کننسد و در این بیسن، گاهی یکی می ماند زیر دست و پای حیوان و نفله می شود با سرش گیر می کند لای دستگاه و نیمی از مغزش

ستمیشود. نترس! نه برای همیشــه، فقط برای چن پایت را بگذار روی زمینی لزج از منجلاب و آغشته به بوی گند فاضلاب ببین مردم چطور این جامتولد می شوند، کنار تصفیه خانه پیکنیک می روند، از

می سوده تا در شهیه خانه پیدا می زوده را بین حیوانات وحشی راهی به خانه پیدا می کنند، از گیاهان سمی و حیوانات بیمار و متعفی تغذیه ((۱۳۵۷/۱۳۵۲) ے شـوند و برخـے پیــری میرس

از شدت و حجم ونت محسط همراه با پیری، عاطفه، LIVRE INTER دوستی و عشق هم در وجودشان میمیرد. بیس چگونه بی هیچ

یدی به رهایی نفس می نشند. امنگی، روایت کار گران کشـــتار گاهی اســت در